



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی پردیس حضرت معصومه (سلام الله علیها) قم
مدیر مسئول و سردبیر: نرگس قاسمی
هیئت تحریریه: فروغ صالحی زاده، زهرا عزیز خواه، سهیلا حیدری
فاطمه باوری نرگس قاسمی، مهسا محمد بیگی
زهرا امین زارع، فاطمه پیراسته
ویراستار: استاد فاطمه هاشمیان، زهرا عزیز خواه
صفحه آرا: محمد امین وافعی

ماهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی . دی ماه ۱۳۹۹ . سال دوم، شماره نهم

نرگس قاسمی ترم ۴ آموزش ابتدایی

قسمت اول مصاحبه با سرکار خانم سکینه یار محمدی - مرگ در کمین معلمان است دانش و اطلاعات معلم حافظ او از مرگ است.

در این شماره از نشریه‌ی هادی با سرکار خانم سکینه یارمحمدی همراه شدیم تا از تجربه‌های این بزرگوار در زمینه‌ی معلمی بهره‌مند شویم. وی دارای ۲۱ سال سابقه‌ی تعلیم و تربیت، دانش‌آموخته‌ی دانشگاه تربیت معلم پردیس حضرت معصومه سلام الله علیها قم، کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه آزاد تهران جنوب، دارای تجربه‌ی ۱۰ سال خدمت در روستا و استاد حق‌التدریس دروسی چون درس پژوهی، آموزش ریاضی و... در دانشگاه فرهنگیان می‌باشند.

۱- یک معلم موفق چه ویژگی هایی دارد؟

معلمی که دانش و اطلاعاتش به روز باشد و دچار مرگ معلمی نشود؛ مرگ معلمی زمانی اتفاق می‌افتد که اطلاعات و دانش معلم به روز نیست. معلم موفق معلمی است که از کارش احساس لذت کند و احساس شادی در وجود خودش دارد؛ هر روز دنبال یک روش نو و بهتر برای آموزش باشد، معلم موفق معلم مؤثر و اثرگذار روی بچه‌ها است، آشنا با دنیای بچه‌ها است و تسلط کامل بر محتوای آموزشی و تنوع در روش‌های تدریس دارد. مشکلات دانش‌آموزان را بررسی کند و ارتباط عاطفی خوبی با آن‌ها برقرار کند و در عین این که چهره‌ی جذاب، شاداب و خندان دارد در کارش قاطع، جدی، منظم و دقیق باشد.

۲- چگونه یک معلم، معلمی خلاق باشد؟

معلم خلاق معلمی است که به نظرات بچه‌ها توجه دارد و چون بچه‌ها خلاق‌ترین هستند، از نظرات بچه‌ها خیلی استفاده می‌کند و اجازه‌ی طرح نظر در حد امکان در تمام موارد درسی و موضوعاتی را که مطرح می‌شود می‌دهد و به نظرات متفاوت بیشتر توجه کند. معلم خلاق معلمی است که از حداقل امکانات بیشترین بهره‌وری را دارد و دوست‌دار هنر است و سعی می‌کند خاطرات شیرین و لذت‌بخش در ذهن بچه‌ها ایجاد کند.

۳- از جمله محاسن و معایب روش تدریس مجازی از نظر شما چه چیزهایی می‌تواند باشد؟

از جمله معایب تدریس مجازی این است که بی‌نظمی‌های کلاس بی‌نظم‌تر می‌شوند. این که ممکن هست که گوشی، تبلت، اینترنت یا وسیله دیگری که برای ورود به کلاس نیاز هست در اختیار نداشته باشند. همین‌طور این که بچه‌ها ارتباط اجتماعی‌شان ضعیف‌تر می‌شود و از همه مهم‌تر، ندیدن چشم دانش‌آموز در تدریس است؛ این که یک معلم نتواند چشم دانش‌آموز را در تدریس ببیند خیلی سخت است، برای من که این‌گونه است. اما من بیشتر به محاسن تدریس مجازی فکر می‌کنم و سعی می‌کنم که این محاسن را در بچه‌ها ایجاد کنم؛ مثلاً شنیدن بچه‌ها خیلی تقویت شده و آن‌ها تا فایل صوتی را به خوبی گوش نکنند نمی‌توانند آن دستورالعمل‌هایی که ما داده‌ایم را اجرا کنند. علاوه بر شنیدن، کلام بچه‌ها خیلی تقویت شده است؛ بچه‌ها وقتی می‌خواهند یک مطلبی را با فایل صوتی برای ما بفرستند باید روی کلامشان دقت کنند و بعد بفرستند. ما خیلی می‌توانیم در ارائه تکلیف تنوع داشته باشیم مثلاً از بچه‌ها بخواهیم که عکس بفرستند، پاور یا کلیپ درست کنند و بفرستند و... این‌ها همه جزو محاسن تدریس‌های مجازی هستند که برای بچه‌ها هم جذابیت خود را دارد.

مثلاً ما قبلاً وقتی که می‌خواستیم مطالبی را به شکل کلیپ یا فیلم به بچه‌ها یاد بدهیم مشکلات زیادی داخل مدارس داشتیم؛ از جمله نبود امکاناتی نظیر دیتا پرژکتور، کامپیوتر و... اما الان خیلی راحت می‌توانیم محتوای آموزشی را به اشکال متنوع و جذاب در اختیار دانش‌آموزان قرار بدهیم و همچنین تکرار تدریس، یعنی دانش‌آموز می‌تواند صدبار یک مطلب را با ویس و فیلم معلم گوش بدهند و ببینند. و این خیلی مفید است؛ چون در کلاس حضوری نهایت چند بار می‌توانست این اتفاق بیوفتد. آشنا شدن دانش‌آموزان و معلمان با تکنولوژی و روش‌های آموزشی نوین در این زمینه نیز از محاسن تدریس مجازی است. دانش‌آموزان خودآموز و یادگیرنده‌ی مادام‌العمر شده‌اند و می‌دانند چطور خودشان یاد بگیرند و ارائه بدهند. این‌ها همه محاسن تدریس مجازی هستند که خیلی لازم است که مورد توجه قرار بگیرد.

ادامه این مصاحبه در شماره ی بعدی نشریه

یک ماده‌ی پر ماجرا

چطور میتوان انتظار پیشرفت و تعالی جامعه را داشت بدون این که سیاست‌گذاری درستی برای تربیت معلم و روند جذب کرد. زهرا عزیز خواه ترم ۷ آموزش ابتدایی

نامه‌ی غیرمستولانه‌ی اخیر وزیر علوم به رهبری که از مبنا به خاطر تفسیر نادرستی از ماده‌ی ۲۸ اساس‌نامه‌ی دانشگاه فرهنگیان، ایراد قانونی و کارشناسی دارد چرا که طبق این ماده جذب برای بعضی رشته‌های خاص را میسر میکند آن هم در شرایطی که امکان توسعه در دانشگاه فرهنگیان نباشد که رشته‌های محدودی را شامل می‌شود. و این نامه مغایر با اسناد بالادستی از جمله برنامه ششم توسعه، راهکار ۱۱ سند تحول آموزش و پرورش و اساسنامه‌ی دانشگاه فرهنگیان است. طی این چند سال که از تاسیس دانشگاه فرهنگیان می‌گذرد به خاطر عدم وجود درک درستی از بحث تربیت و تربیت معلم در مسئولین، نه تنها عزمی جدی برای بهتر شدن وضعیت این دانشگاه حیاتی و مهم شاهد نیستیم بلکه با ارائه‌ی پیشنهادهای مثل واگذاری تربیت معلم به پیام نور در اواخر سال گذشته، و طرح اخیر جذب پرفانباری معلمین در مجلس اکنون شاهدیم در شرایطی که بیش از پیش مشکلات این دانشگاه نیاز به رفع و اقدام جهادی دارد تا نومعلمان به عنوان پیشرانان تحول در آموزش و پرورش به نحوی شایسته پرورش یابند شاهد ارائه‌ی چنین نامه‌ی غیرکارشناسانه‌ای هستیم.

از وزیر علوم به توجه به جایگاهی که دارد انتظار نمی‌رفت این چنین اقدام کند و با امر خطیر تعلیم و تربیت به سادگی برخورد کرده و بخواهد در دوره‌ای یک ساله (که کم و کیف آن جای تأمل است) انتظار داشته هويت معلمی و تربیت معلم شکل گیرد. اگر واقعا دلسوز جوانان و اشتغال آنان هستند تلاش خود را معطوف به توسعه کمی و کیفی دانشگاه فرهنگیان کنند تا از ابتدا در مسیر معلمی قرار گیرند، ولی متأسفانه نگاه هزینه‌ای و سطحی به آموزش و پرورش باعث شده که به آن به مثابه بنگاه کاریابی نگاه شود. که اگر فکر جدی به حال تعلیم و تربیت کشور که رکن اصلی آن معلم است، نشود تبعات جبران‌ناپذیر آن را شاهد خواهیم بود.

بهتر است وزیر علوم پاسخگوی عملکرد خود باشند و بگویند چه اقدامات مطلوب و بایسته‌ای برای دانشگاه فرهنگیان انجام داده‌اند و چه قدر در جهت توسعه‌ی کمی و کیفی گام برداشته‌اند.

چطور میتوان بدون در دست داشتن سیاست‌گذاری درستی برای تربیت معلم و روند جذب آن انتظار پیشرفت و تعالی جامعه را داشت. نمی‌توان قبول کرد که مسئولین در سخن از جایگاه معلم بگویند ولی در عمل این طور تیشه به ریشه‌ی این دانشگاه بزنند و متناقض عمل کنند.



هنوز صبر من به قامت بلند آرزوست

نقد مستند تخته سیاه - سهیلا حیدری ترم ۵ آموزش ابتدایی

سیاه، این رنگ منو به یاد جدول رنگ‌بندی استان‌ها در ایام بیماری کرونا می‌نماید. شاید این رنگ برای بیان احوال آموزش و پرورش ما مناسب‌ترین رنگ باشد. شاید اگر بالاتر از سیاهی رنگی بود اون رنگ رو انتخاب می‌کردم!

در آغاز مشاهده‌ی این مستند دقیقه‌ای چطور می‌تونه بیان‌گر عمق مشکلات نظام تعلیم و تربیت ما باشه؟

اما خلاف انتظارم هر دقیقه از این مستند کوتاه قطره‌ای از دریای مشکلات تربیتی ما را به تصویر می‌کشید و چقدر برایم سخت بود، شنیدن جملات تلخی که با تمام وجودم تأییدشان می‌کردم. اما دردناک‌ترین جمله این است: «ما نسبت به امر تربیت بی‌توجه‌ایم. ممکنه ما ساعت‌ها در انجمن اولیا و مربیان راجع به درویدوار مدرسه با هم صحبت کنیم ولی تا حالا شده راجع به یک امر تربیتی اساسی صحبت کنیم؟» شاید تلخ‌ترین قهوه‌ای که روی میز آموزش و پرورش ماست همین جمله‌ی آقای کارشناس باشد، بی‌توجهی به امر تربیت این جمله‌ی به ظاهر ساده در مقام عمل زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات آموزشی و پرورشی ماست. مشکلاتی از قبیل:

- تربیت افراد بله قربان‌گو: افرادی که به اجبار خود واقعی‌شان را پنهان می‌کنند. • پرورش فقط یک نوع استعداد و بی‌استعداد تلقی شدن دیگران (نگاه تک بعدی). • عدم توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان • چارچوب‌بندی‌خلاقیت‌ها • درک نادرست از تعریف آموزش و تعریف پرورش • پررنگ شدن آموزش و کم‌رنگ شدن پرورش • ایجاد احساس تلاش‌های بیهوده در دانش‌آموزان • ایجاد شرایط دیکتاتوری در کلاس توسط معلم • بی‌هدف و بی‌رویا بودن دانش‌آموزان • بی‌انگیزه شدن دانش‌آموزان برای رفتن به مدرسه به علت عدم جذابیت آن؛ شوقی که زنگ‌های تفریح در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند گواهی بر این‌دعاست. • ناکارآمدی آموزش زبان‌های دوم مانند زبان عربی و زبان انگلیسی

ستون وحدت و پایداری یک خانواده زن هستند

مدیریت پنهان در خانواده را زنان عهده دار هستند.

فاطمه یآوری دانشجوی رشته کارشناسی الهیات ترم ۳

حضرت امام(ره): اصلاح و فساد یک جامعه از اصلاح و فساد زن سرچشمه می‌گیرد؛ زن، یگانه موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی را به جامعه تحویل دهد که از برکاتش یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند به عکس آن هم باشد.

خانواده، پایگاه اصلی و اولیه انسان‌سازی است؛ ریشه‌های هر فرد ابتدا در کانون خانواده و در دامن پر مهر مادر شکل می‌گیرد، مادر با تدبیر عاقلانه و رفتار مهربانانه ستون‌های خانه را تحکیم می‌نماید. خانواده مرکز شکل‌گیری هسته‌های ارزشی و فرهنگی جامعه است؛ چرا که عامل آن تحقق آرمان‌ها و غایت‌های مطلوب جامعه درون خانواده پرورش می‌یابند. نهاد خانواده و کارکردهای آن از دیرباز از سوی ادیان، مکاتب و فرهنگ‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است؛ در اسلام نیز این بنیاد تأثیرگذار ملامک و محویت بسیاری از مسائل حقوقی و تربیتی می‌باشد.

در دین اسلام زن در پرتو احکام اسلامی و ذیل قوانین اخلاقی وظیفه دارد، این گهواره رشد طبیعی افراد را به بهترین شکل هدایت کند و تنظیم‌کننده پایگاه اصلی جامعه یعنی خانواده باشد. خالق انسان‌ها تأکید دارد که زن و مرد از یک سرشت هستند، هدف و مسئولیت کلی آنها یکی است؛ اما هر دوی آنها به شکل متفاوتی طراحی شده‌اند و در هر کدام از آنها نیروها و سرمایه‌های متمایزی تعبیه شده است. به تبع این طراحی متفاوت خداوند انتظارات و مسئولیت‌های متفاوتی از آنها دارد.

با مادر انقلاب بیشتر آشنا شویم

معرفی کتاب: کتاب خاطرات مرضیه حدیدی

با مادر انقلاب بیشتر آشنا شویم - با فراز و نشیب‌های زندگی مادر انقلاب بیشتر آشنا شویم

- برای این که درباره کسی که متولد همدان است و به دلیل شرایط آن زمان از درس خواندن در مکتب‌خانه محروم می‌شود. اما در دوران پیش از انقلاب دوره‌های چریکی را در لبنان می‌گذرانند و در دیداری که با گورباچف، امپراتوری شرق، داشته لقب مادر انقلاب را می‌گیرد؛ بیشتر بدانید این کتاب را بخوانید

- معرفی کتاب:

«... پس از گذشت سه یا چهار ماه آجی ملا بین بچه‌ها برگه‌های امتحانی پخش کرد ولی به من نداد. اعتراض کردم: «چرا به من برگه نمی‌دهید؟» گفت: «پدر شما با دو نفر دیگر از من تمهید گرفتند که به شما فقط خواندن یاد بدهم، نه نوشتن. سرک کشیدن‌ها و شیطنت‌ها و کنجکاو‌هایم به حدی رسیده بود که پدرم دیگر صلاح نمی‌دید همان درس نیم‌بند را هم دنبال کنم...»

در لبنان در منزلی که محمد منتظری اجازه کرده بود، مستقر شدم و در یکی از پایگاه‌های ساف مشغول آموزش نظامی شدم. بعد از طی این دوره‌ها، همراه یکی از خواهران فلسطینی به جنوب لبنان و تپه‌های نبطیه نزد برادران و خواهران مبارز و مجاهد رفتیم. شش ماه در آنجا سپری کردم، در چند عملیات نامنظم علیه اسرائیلی‌ها شرکت می‌جستم...

یکی از برکاتی که حضورم در لبنان نصیب شد، آشنایی با امام موسی صدر و یار و همراه و هم‌دوش او شهید چمران بود...

دیدم اگر تو ذوق گورباچف بزسم خیلی بد است، از این رو وقتی او دستش را دراز کرد من چادر را روی دستم انداختم و به او دست دادم. این برخورد برای رهبری امپراتوری شرق خیلی سخت و گران آمد. سعی کرد به روی خودش نیآورد و گفت: «من دستم را برای دست دادن دراز نکردم، بلکه دستم را به سوی این مادر انقلاب دراز کردم که بگویم ما همسایه‌های خوبی هستیم، ما دست‌مان را به سوی شما دراز می‌کنیم، شما هم مردهایمان را تشویق کنید که دست...»

به نظر شما این متن، درباره‌ی کدام شخصیت انقلابی کشورمان است؟

کسی که متولد همدان است و به دلیل شرایط آن زمان از درس خواندن در مکتب‌خانه محروم می‌شود. اما در دوران پیش از انقلاب دوره‌های چریکی را در لبنان می‌گذرانند و در دیداری که با گورباچف، امپراتوری شرق، داشته لقب مادر انقلاب را می‌گیرد.

اگر می‌خواهید خاطرات اولین و آخرین (تاکسون) فرمانده سپاه زن در دوران قبل و بعد از انقلاب را بدانید، کتاب خاطرات مرضیه حدیدی (دباغ) را که به کوشش محسن کاظمی بوده است، بخوانید.

فروغ صالحی زاده ترم ۴ آموزش ابتدایی

فرزندان و در آخر وظیفه همسری خود را به جا می‌آورند، این جابجایی مسئولیت‌ها در گام اول به خانواده و بعد به جامعه آسیب جدی می‌رساند. امروزه اکثر زنان از حاکمیت نگاه سنتی به نقش و جایگاه آنها ناخرسند هستند، بهتر است با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و توانایی‌های زنان و همچنین پیشرفت‌ها و تحولات رو به رشد جوامع، زنان سرزمینمان را از محدودیت‌های خودساخته که انعکاس فرهنگ‌های غلط می‌باشند، نجات و به آنها فرصت پیشرفت و اعتلای علمی، فرهنگی، اقتصادی و غیره را بدهیم.

دستیابی به توسعه پایدار، ساخت جامعه‌ای هم‌چون مدینه فاضله و تحقق آرمان‌های اصیل اسلامی ارمغان انسان‌های معتقد، متفکر و با ایمان است؛ زنان به عنوان محور خانواده نقش حساس و مهمی در تربیت نسل پویا خلاق و کارآمد دارند.

مدیریت خانواده را اگر از منظر فقهی و حقوقی بررسی کنیم زن مدیر خانواده نیست، اما در عمل و به لحاظ فرهنگی به وضوح می‌توان مدیریت پنهان زن در خانواده را دید تا آن جایی که عده‌ای معتقدند زن، مرد را مدیریت می‌کند. هنگامی که خانواده با بحران مواجه می‌شود در این موقعیت مدیریت زن بهتر خود را نشان می‌دهد: نه مدیریت حقوقی بلکه مدیریت روانی! بازگرداندن روحیه اعتماد به نفس و خودباوری به افراد خانواده، ایجاد صمیمیت و همدلی بین اعضا و استقرار امنیت و آرامش در خانواده با مدیریت زن محقق می‌شود. در واقع زنان با حسن تدبیر، انعطاف روحی، تعامل عاطفی با سایر اعضای خانواده و محبت کلامی می‌توانند فضای خانواده را همیشه مثبت و آرام نگه دارند.

در نگاه اسلامی ستون وحدت و پایداری یک خانواده زنان هستند، اقتدار مردان بدون همکاری و مدیریت عاطفی زنان در زنده نگه داشتن خانواده مؤثر نخواهد بود. آموزش‌های دینی اسلام سه نقش کلی را برای زنان مسلمان تعریف کرده‌اند؛ همسری، مادری و فعالیت‌های اجتماعی.

متأسفانه در جامعه ما عملکرد زنان مطابق با الگوهای دینی ما نیست؛ بسیار دیده می‌شود که زنان شاغل گاه‌ا ۱۰ تا ۱۲ ساعت از وقت خود را در پیرون از منزل می‌گذرانند. زمانی هم که به خانه می‌آیند اولویت اول آنها رسیدگی به کارهای منزل، بعد

اين هست و غير از اين نيست

۲۷ آذر، روز جهاني عارى از خشونت و افراطى گرى

فاطمه ياورى دانشجوى رشته كارشناسى الهيات ترم ۳

خشونت و افراط گرایی از موانع جدی برای دستیابی به صلح جهانی میباشد؛ صلح، آرمان هزاران ساله جوامع بشری و آرزوی دیرینه مردمانی است که در دین، مذهب، نژاد، رنگ پوست و... با یکدیگر متفاوت اند. خشونت، تعصب و تفکرات افراطی ریشه‌های درخت صلح را میسوزانند؛ کنار هم زیستن با تکیه بر مبانی مشترک و تلاش جمعی انسان‌ها برای ساختن جهانی بهتر میوه‌های این درخت میباشند. اما متأسفانه؛ در دنیای امروز با وجود تفکرات رادیکالی، رهبران مذهبی متحجر و جهل آدمیان این درخت به شدت در معرض خطر است.

خشونت، در قرن ۲۱ تنها کم نشده بلکه هر روز دامنه آن در حال گسترش و در نتیجه نیازمند به مقابله پایاپای و اصولی میباشد. عصر تروریسم، عصر رشد خشونت و تبعیض در بستر فقر و توسعه نیافتگی است؛ عصر رقابت قدرت‌های بزرگ برای خرید تسلیحات؛ اسلحه‌هایی که با شلیک هر گلوله جهان را فرسنگ‌ها از صلح پایدار دور میکنند. خرید و فروش تسلیحات در عصر حاضر خود، گویای یک خشونت بی پایان است؛ تعداد انسان‌هایی که قربانی این تجارت خطرناک میشوند به شکل دقیق قابل محاسبه نیست زیرا هویت بسیاری از افرادی که در کشاکش جهل و طمع هم‌نوعان خود نابود می‌شوند؛ همیشه پنهان میماند.

خشونت و افراط گرایی دو مفهومی هستند که به کرات توسط افراد مختلف به دین اسلام و مسلمانان نسبت داده میشوند؛ رسانه‌های وابسته به قدرت‌های جهانی تلاش میکنند تا ملت‌ها اقدامات خشونت و افراط گرایی دو مفهومی هستند که به کرات توسط افراد مختلف به دین اسلام و مسلمانان نسبت داده میشوند؛ رسانه‌های وابسته به قدرت‌های جهانی تلاش میکنند تا ملت‌ها اقدامات گروه‌های تروریستی را تفکر همه مسلمانان بدانند و از اسلام یک چهره سیاه و ترسناک نشان دهند؛ به گونه‌ای که هر جا سخن از اسلام در میان باشد مفاهیم افراط گرایی، خشونت و تروریسم بر آن سایه بیفتد. تندروری و تروریسم به نام دین و به ظاهر اسلامی در سال‌های اخیر فجایع زیادی به بار آورده است و باعث شده تا مردم جهان به ویژه منطقه خاورمیانه آسیب‌ها و مصائب سهمگینی را از این ناحیه دریافت کنند.

این نکته مغفول است و نیازمند بررسی، که آیا واقعاً این جنگ‌ها و کشتارهای بی رحمانه بر پایه مبانی دینی اسلام انجام میگردد؟ آیا عده‌ای تلاش نمیکند تا با اسلام هراسی و همانند سازی تروریسم و اسلام، دین منطقی و رحمانی اسلام را به عنوان مکتبی خشونت‌آمیز معرفی کنند؟

«قرآن» کتاب مقدس مسلمانان، منبع اصلی مبانی اسلامی و «محمد» چهره اصلی آن است. قرآن مسلمانان را به تفکر، تعقل، تعادل و مهرورزی نسبت به یکدیگر دعوت مینماید و در مقابل پدیده تعصب و افراط گرایی ویزگی است اسلامی را وسطیت، میانه‌روی و اعتدال معرفی میکند. (وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا) قرآن یادآور میشود؛ که نرم خویی و نرم گویی آدمیان را گرد یکدیگر جمع کرده و اتحاد و همدلی را افزایش میدهد؛ تندخویی و تندگویی آنها را از ریسمان واحد الهی پراکنده میسازد و سبب اختلاف، دشمنی و در آخر منازعات سیاسی مذهبی میشود.

رشد اسلام هراسی در کشورهای اروپایی در تغییر تفکر مردم این کشورها نسبت به این دین و پیروان آن تأثیر منفی بر جای گذاشته است؛ این تفکر به مرور جوانان مسلمان اروپا را از جامعه و حتی برخی موارد از خانواده دور میکند و آنها دیگر جایگاهی برای خود در اروپا نمیبینند، هیچ کس پذیرای آنها نیست، به مرور احساس بی هویتی میکنند و از جامعه طرد و اسیر تفکرات افراطی و گروه‌های تروریستی میشوند. مبارزه با خشونت و تندروری از ابتدای تاریخ وجود داشته است، هر کجا که اندیشه‌ای شکل میگیرد افراط و تفریط هم در آن اندیشه راه میبایند، معمولاً صاحبان قدرت به دنبال جهانی یک صدا و تک قطبی و حامی خشونت‌های بین المللی میباشند زیرا تا زمانی که قدرت مالی آنها با فروش اسلحه به گروهک‌های تروریستی و قدرت سیاسی نیز به واسطه پیشبرد اهداف سیاسی از طریق گروهک‌های تروریستی تأمین میشود، آنها در جایگاه قدرت باقی خواهند ماند.

گر پدر مرد تفنگ پدری هست هنوز

خوشا به حال حاج قاسم که به آرزویش رسید

نمی‌دانم از رفتن زانوی غم بغل بگیرم یا اشک شوق شهادت روی گونه‌هایم بلرزد یا چون سید علی بلند بگویم: «خوش به حال قاسم که به آرزویش رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می‌ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود.»
تقویم را که نگاه می‌کنم در باورم نمی‌گنجد که یک‌سال گذشته و من همچون کودکی نوپا همچنان به دنبال شما می‌گردم. راستی حاج قاسم! از آن روزی که شما رفتی، خوشبختی هم رفت، دلِ خوش هم رفت اما سید علی همچنان ایستاده و ما را در آغوش خود می‌کشد و خود را سپر بلا می‌کند. به قول رهبرمان شما بارها و بارها در معرض شهادت قرار گرفته بودید اما در راه خدا و انجام وظیفه و جهاد، از هیچ کس و هیچ چیز پروا نداشتید. و چه شوق شهادتی در آخرین عکس‌هایتان نمود، چشم‌هایتان همچون مروارید می‌درخشید. راستی حاج قاسم من یک معلم؛ معلمی که قرار است هزاران قاسم سلیمانی تربیت کند و تحویل جامعه بدهد.

به قول این شعر: گر پدر مرد تفنگ پدری هست هنوز...





در محضر بزرگان

امام خامنه ای: ما دو چهره ی بزرگ علمی را در این اواخر از دست دادیم: یکی شهید فخری زاده بود، یکی جناب آقای آیت الله مصباح بود؛ هر دوی اینها چهره های علمی برجسته ای بودند، هر کدام در منطقه ی خودشان و کار خودشان، و از هر دو هم میراث های ارزشمندی در دستگاہی که تحت نظرشان بود باقی مانده که بایستی با قوت ان شاء الله و به بهترین وجهی ادامه پیدا کند.

نوزدهم دی ماه سال ۱۳۹۹

حکیم مجاهد و انقلابی

تأملی در مفاهیم پیام رهبر انقلاب در پی درگذشت آیت الله مصباح یزدی

زینب خادمی نژاد ترم ۳ آموزش ابتدایی

رهبر انقلاب اسلامی در پیام تسلیت در پی درگذشت آیت الله محمد تقی مصباح یزدی (۱۳۹۹/۱۰/۱۳) فرمودند: «ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبان گویائی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند. خدمات ایشان در تولید اندیشه ی دینی و نگارش کتب راه گشا، و در تربیت شاگردان ممتاز و اثرگذار، و در حضور انقلابی در همه ی میدان هایی که احساس نیاز به حضور ایشان میشد، حقاً و انصافاً کم نظیر است. پارسایی و پرهیزگاری خصلت همیشگی ایشان از دوران جوانی تا آخر عمر بود...»

ایستادن در معرکه نزاع تاریخی

آیت الله مصباح یزدی، «دشمن» را می دید و وضع فکری و سیاسی را همچون صحنه ی «نبرد»، تصویر می کرد. طریق «عافیت طلبی» و «راحت گزینی» را در پیش نگرفته بود؛ به «تهاجم فرهنگی» باور داشت و می دانست که دشمن، اگر از در بیرون رانده شود، از پنجره وارد خواهد شد؛ می دانست که «دشمن»، یک واقعیت است، نه شعار سیاسی؛ باور داشت که «توطئه»، توهم و خیال نیست؛

آن که عاقل بود، عزم راه کرد عزم راه مشکل ناخواه کرد

«متفکر برجسته»: کاربری قوه عاقله در ساحت معرفت

متفکر، کسی است که «قوه ی عاقله» ی خویش را به کار می اندازد و به «قوه حافظه»، بسنده نمی کند و گرفتار توقف در «نقل» و «گردآوری» و «تدوین» و «تکرار» و «ترجمه» نمی شود. متفکر، اهل «اندیشه ورزی مستقل» است و قدرت «امدادبخشیدن» و «استنتاج» و «بسط» دارد. آیت الله مصباح، این گونه بود؛ می توانست آنچه را که آموخته بود را به دست مایه ی «اندیشه ورزی» تبدیل کند و بر مبنای معلومات خویش، پرده از مجهولات بردارد و بر علم و معرفت بیفزاید:

علم او از جان او جوشد مدام پیش او، نه مستعار آمد، نه وام

«زبان گویا در اظهار حق»: تکیه بر ادبیات صریح و شفاف

نسبت دادن خصوصیت برخورداری از «زبان گویا در اظهار حق»، بدان معنی است که آیت الله مصباح، «مصلحت های غیر واقعی و خود ساخته» را حجاب و حائل حقایق قرار نمی داد و حقایق را قربانی «محاسبه های مادی و این جهانی» نمی کرد و به حق، ظلم و جفا روا نمی داشت...

استقامت در صراط مستقیم: کامیابی در آزمون های مستمر

آیت الله مصباح، نه فقط صراط حق را انتخاب کرد، بلکه از خویش «مراقبه» کرد و تا پایان حیات خویش، از راستای آن خارج نگردید و این به معنی «استقامت در صراط مستقیم» است؛ عاقبت، با «استقامت» رقم می خورد نه «انتخاب های ابتدایی خوب». زندگی انسان، آمیخته با چالش ها و بحران هایی است که چه بسا در یکی از آنها، انسان «مردود» شود و اندوخته ها و دستاوردهای خود را به باد دهد.

گاه باشد کو به هر بادی جهد کوه، کی مر باد را وزنی نهد؟!

«حضور انقلابی در همه میدان های لازم»: سیاست ورزی مؤمنانه و

متعهدانه



آیت الله خامنه ای تصریح می کند که یکی از خدمات کم نظیر آیت الله مصباح، «حضور انقلابی» در همه ی میدان هایی که احساس نیاز به حضور ایشان می شد، بوده است. باز هم لفظ حساس «انقلاب» و «انقلابی» که آیت الله خامنه ای دهی اخیر، چه بسیار بر آن تأکید و اصرار ورزیده و ارزش وصف ناپذیر برای آن قائل شده است. نسبت دادن فضیلت «انقلابی بودن» و «حضور انقلابی داشتن»، مهم ترین فضیلتی است که در این پیام به چشم می خورد؛ آن هم نه فقط حضور انقلابی در «برخی» از میدان ها، بلکه حضور انقلابی در «همه» ی میدان هایی که شایسته بود ایشان در آنها پا بنهد و کنشگری کند.

آیت الله مصباح، هم انقلابی بوده و هم در همه ی ساحت ها و عرصه های بایسته حضور انقلابی داشته، پس او به راستی، «مَثَلِ اعلاء» و «نمونه ی عالی» انسان انقلابی بوده است.

ای دریغا! اشک من دریا بُدی

تا نثار دلبر زیبا بُدی